

# در سرزمین امام باره‌ها

مطالعهٔ انسان‌شناختی فرهنگ اسلامی و تشیع مردمی در هند

جبار رحمانی



شَرَامَا

۱۴۰۱

سرشناسه: رحمانی، جبار، ۱۳۵۹ -، پدیدآور  
عنوان و نام پدیدآور: در سرزمین امام‌باره‌ها: مطالعه انسان‌شناختی فرهنگی اسلامی و تشیع مردمی  
در هند / جبار رحمانی.

مشخصات نشر: اصفهان: آرما، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۶۱۲ص. / (مصور رنگی)، نقشه. : ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

فروست: کتابهای سرو. مطالعات اجتماعی شیعه / دبیر مجموعه محسن حسام‌مظاهری؛ ۲۹.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۷۹-۱۷-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

عنوان دیگر: مطالعه انسان‌شناختی فرهنگی اسلامی و تشیع مردمی در هند.

موضوع: شیعه -- هند -- تاریخ

History -- India -- Shi'ah

تمدن اسلامی -- هند

India -- Islamic civilization

انسان‌شناسی -- هند

India -- Anthropology

موضوع: هند -- تمدن -- تاثیر اسلام

India -- Islamic influences -- Civilization

هند -- زندگی و آداب و رسوم دینی

India -- Religious life and customs

رده‌بندی کنگره: ۷/BP۱۶

رده‌بندی دیویی: ۹۱۶۵۴/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۰۳۱۶۲

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

اصفهان/صندوق پستی: ۱۹۷۳-۱۴۴۵

تلفن: ۰۹۱۳۳۲۰۹۴۵

توزیع: پخش ققنوس ۰۲۱۶۶۴۰۸۶۴۰

پخش صدای معاصر ۰۲۱۶۶۹۷۸۵۸۲

پخش فدک ۰۳۱۳۳۳۵۱۲۰۷

پخش مداد آبی ۰۲۱۸۸۳۵۶۴۳۶

فروش اینترنتی: چهارسوق 4soooq.ir

سی‌بوک 30book.com

پاتوق کتاب bookroom.ir

کتاب الکترونیک: طاقچه taaghche.com

کلیه‌ی حقوق محفوظ و مخصوص نشر آرما است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن

به هر صورت از قبیل کاغذی، الکترونیکی و صوتی

بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر ممنوع است

و پیگرد قانونی دارد.



نشر آرما

## در سرزمین امام‌باره‌ها

مطالعه انسان‌شناختی فرهنگ اسلامی و تشیع مردمی در هند

جبار رحمانی

ویراستار: نسرین حیایی طهرانی

شمارگان: ۳۰۰ نسخه / نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۱ / شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۷۹-۱۷-۲

طراحی جلد: محمد صمدی / صفحه‌آرا: مسعود چترروز

www.nashrearma.com



۹۱

## کتاب‌های سرو

(مطالعات اجتماعی شیعه)

دبیر مجموعه: محسن حسام مظاهری

۲۹

کتاب‌های سرو مجموعه‌ای از پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی در موضوع تشیع و شیعیان است. در این مجموعه به تشیع به مثابه دین زیسته پرداخته شده و مقولات و مسائل انضمامی مرتبط با این مذهب و وضعیت پیروانش در دنیای امروز مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. به تبع تنوع این مقولات و مسائل، گستره موضوعی کتاب‌ها نیز وسیع است و از جمله مطالعاتی در موضوعات مناسک و آیین‌های شیعی (عزاداری، زیارت، نذر، اعتکاف و...)، سازمان رسمی شیعه (حوزه و روحانیت)، گفتمان‌های شیعی، زیست روزمره و فرهنگ مادی و معنوی شیعیان و موارد مشابه دیگر را شامل می‌شود. وجه اشتراک همه این کتاب‌ها، پرداختن به مسائل انضمامی تشیع و شیعیان در دنیای امروز از منظر مجموعه دانش‌های اجتماعی (جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، ارتباطات و رسانه و مطالعات فرهنگی) است.







# فهرست

۱۳	مقدمه
۱۳	الف - در اهمیت شناخت هند: دارالامان فرهنگ ایران
۱۸	ب. در اهمیت شناخت تشیع مردمی دین زیسته
۲۹	<b>فصل اول - اسلام هندی: نگاهی به تمدن اسلامی در هند</b>
۳۱	بی توجهی به هند اسلامی در مطالعات علم و تاریخ
۳۸	۱. مؤلفه های تمدن هندی: بستر اصلی تمدن اسلامی هند
۴۵	۲. ساختارها و الگوهای شکل گیری قدرت حکام مسلمان هند
۶۰	۳. حضور ایرانیان و سایر مهاجران در تمدن اسلامی هند
۶۹	<b>فصل دوم - تمدن اسلامی هند؛ شکوفایی صورت های سمبلیک اسلام هندی</b>
۷۱	مقدمه: لزوم نگاه به صورت های سمبلیک یک تمدن
۷۳	۱. صورت سمبلیک زبان: از زبان فارسی تا اردو
۷۸	۲. ادبیات فارسی سبک هندی: زبان خیال و هنر فرهنگ اسلامی درباره های هند
۸۵	۳. زبان اردو: زبان فرهنگ اسلام هندی
۹۲	۴. صورت سمبلیک اسطوره: شکوفایی عرفان اسلامی - هندی
۹۷	۵. شکوفایی و توسعه صورت سمبلیک دین
۱۰۳	۶. هنر: صورت سمبلیک خیال خلاق تمدن اسلامی هند
۱۱۰	۷. سایر تجلی های شکوه تمدنی اسلام هندی

۱۱۱	۸. وضعیت به هنجار تمدنی و پویایی صورت‌های سمبلیک
۱۲۱	<b>فصل سوم - تشیع هندی، تاریخ و فرهنگ مسلمانان شیعه در هند</b>
۱۲۳	تاریخ اولیه تشیع: از مذهب کاریزماتیک تا مذهب حکام
۱۳۴	تاریخ و فرهنگ تشیع در هند
۱۴۷	حکام نیشابوری اوده: آخرین فروغ تمدن اسلامی در هند
۱۵۰	نگاهی به تاریخ دربار اوده و بسط مناسک عزاداری در لاکنو
۱۸۴	نظام مناسکی محرم در لاکنو
۱۹۰	گونه‌شناسی مناسک عزاداری برحسب فضا و زمان
۱۹۴	گونه‌شناسی کنش‌های مناسکی
۲۰۴	منطق محتوایی: نظام باورها و آگاهی مذهبی از «تاریخ»
۲۲۲	مناسک عزاداری در حسینیه غفران‌مآب و امام‌باره آصف‌الدوله
۲۳۱	معماری مناسکی: امام‌باره به مثابه فضای مناسکی تشیع هندی
۲۴۶	فرهنگ زیارتگاه: شبکه معماری مناسکی شیعیان در شهر لاکنو
۲۶۵	<b>فصل چهارم - آیین‌های رمضان و شعبان در میان شیعیان هند</b>
۲۶۷	امام‌باره و درگاه: زمینه‌ای برای هم‌زیستی هندوها و شیعیان
۲۸۳	آیین‌های ۱۹ و ۲۱ رمضان در لاکنو
۲۹۳	مراسم نیمه شعبان در لکنو
۳۱۳	<b>فصل پنجم - سیاست‌های هویت و تحولات مسلمانان هند</b>
۳۱۵	هند دارالامان فرهنگ ایران
۳۳۰	هویت ایرانی‌های بوپال در هند
۳۴۹	جنبش‌های اسلامی در هند
۳۷۳	<b>پیوست‌ها</b>
۳۷۵	پیوست ۱: گفتگوهایی درباره اسلام و تشیع در هند



۳۷۷	گفتگو با دکتر خواجه پیری
۴۱۴	گفتگو با پروفسور ندیم حسنین
۴۳۲	گفتگو با حاج آقا سید مرتضی موسوی، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هند
۴۴۷	گفتگو با صفی حیدر، استاد حوزه علمیه
۴۷۱	گفتگو با مدیر عباس بوک ایجنسی
۴۷۹	گفتگو با شکیل شمسی. روزنامه نگار
۴۹۷	پیوست ۲: بازنشر گزارش های فراموش شده درباره تشیع در هند
۵۲۵	پیوست ۳: مردم نگاری شیعیان: تأملات روش شناختی
۵۶۱	پیوست ۴: ترجمه مقاله «تشیع مردمی: نگاهی تاریخی به شکل گیری فرهنگ عمومی شیعی در قلمرو حکام اوده» به قلم جان کول
۵۹۷	فهرست منابع

۱۱۱	تاریخچه و اهمیت گیاهان دارویی در طب سنتی ایران	۱۱۱
۱۱۲	روش‌های کاشت و پرورش گیاهان دارویی	۱۱۲
۱۱۳	اصول و روش‌های تهیه داروهای گیاهی	۱۱۳
۱۱۴	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی	۱۱۴
۱۱۵	عوارض و موانع مصرف گیاهان دارویی	۱۱۵
۱۱۶	نقش گیاهان دارویی در حفظ سلامت و پیشگیری از بیماری‌ها	۱۱۶
۱۱۷	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در درمان بیماری‌ها	۱۱۷
۱۱۸	نقش گیاهان دارویی در تقویت سیستم ایمنی بدن	۱۱۸
۱۱۹	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در بهبود خواب	۱۱۹
۱۲۰	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در کاهش استرس	۱۲۰
۱۲۱	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در بهبود گوارش	۱۲۱
۱۲۲	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت حافظه	۱۲۲
۱۲۳	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در کاهش فشارخون	۱۲۳
۱۲۴	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در کاهش کلسترول	۱۲۴
۱۲۵	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در کاهش قند خون	۱۲۵
۱۲۶	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در کاهش وزن	۱۲۶
۱۲۷	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت پوست	۱۲۷
۱۲۸	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت موها	۱۲۸
۱۲۹	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت بینایی	۱۲۹
۱۳۰	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت شنوایی	۱۳۰
۱۳۱	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم عصبانی	۱۳۱
۱۳۲	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم گردش خون	۱۳۲
۱۳۳	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم تنفسی	۱۳۳
۱۳۴	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم ادراری	۱۳۴
۱۳۵	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم تولید مثل	۱۳۵
۱۳۶	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم ایمنی	۱۳۶
۱۳۷	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم هورمونی	۱۳۷
۱۳۸	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم عروقی	۱۳۸
۱۳۹	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم ایمنی	۱۳۹
۱۴۰	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم عصبانی	۱۴۰
۱۴۱	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم گردش خون	۱۴۱
۱۴۲	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم تنفسی	۱۴۲
۱۴۳	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم ادراری	۱۴۳
۱۴۴	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم تولید مثل	۱۴۴
۱۴۵	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم ایمنی	۱۴۵
۱۴۶	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم هورمونی	۱۴۶
۱۴۷	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم عروقی	۱۴۷
۱۴۸	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم ایمنی	۱۴۸
۱۴۹	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم عصبانی	۱۴۹
۱۵۰	تاثیرات و خواص گیاهان دارویی در تقویت سیستم گردش خون	۱۵۰



## مقدمه

### الف. در اهمیت شناخت هند: دارالامان فرهنگ ایران

سرزمین هند موزه‌ای زنده از تاریخ تمدن ایران است. رابطه عمیق و خاصی که دو تمدن ایران و هند در طول تاریخ داشته‌اند را به ندرت می‌توان میان دو منطقه مشابه دیگر یافت. این رابطه، فراتر از یک هم‌جواری جغرافیایی، مجموعه‌ای از ارتباطات فرهنگی و تمدنی بوده که بسیاری از ویژگی‌ها و تحولات طرفین را تحت تأثیر قرار داده است. حضور فرهنگ هندی در بسیاری از عرصه‌های فرهنگ مادی و غیرمادی جامعه ایرانی بخشی از این ارتباط بوده و تأثیری که ایران بر سرزمین هند از دوره‌های تمدن هخامنشی و حتی تمدن‌های ماقبل آریایی فلات ایران داشته، سبب شده است نوعی خویشاوندی عمیق فرهنگی بین این دو حوزه تمدنی شکل بگیرد. حتی طی یک دوره هشتصدساله، ایرانیان مهاجر بخش بسیار مهمی از تمدن اسلامی هند را تحت سیطره نفوذ خودشان داشته‌اند و زبان فارسی، زبان اصلی نخبگان سیاسی و فرهنگی و فکری هند بوده است. البته این وضعیت به معنای سیطره تام فرهنگ و زبان فارسی در هند نیست، بلکه بیانگر اهمیت و قابلیت‌های زبان و فرهنگ فارسی و ایرانی است. مهم‌تر از همه بیانگر قابلیت‌های بسیار بالای فرهنگ هندوستان است که برای توسعه خودش، به راحتی به شیوه‌های خلاقانه‌ای عناصر فرهنگی (زبان، مذهب، هنر و...) را از سایر سرزمین‌ها می‌گیرد و در یک صورت بندی نوین، الگوهای خاص خودش را برای رشد فرهنگی ایجاد می‌کند. زبان فارسی هم در هند دچار این سرنوشت شد. گویی نسخه‌ای هندی از زبان فارسی شکل گرفت، که در عین ایرانی بودن، رنگ و بو و طعم هندی داشت. به همین دلیل نمی‌توان حضور ایرانیان در هند را صرفاً ناشی از موقعیت بالادستی ایرانیان نسبت به هند دانست، بلکه بیشتر باید آن را یک استراتژی خلاقانه تمدن هندی

برای استفاده از پتانسیل‌های فرهنگی مهاجران برای توسعه خودش دانست. مبادله فرهنگی متقابل ایران و هند، از رهگذر مهاجرت‌های جمعیت‌شناختی که عمدتاً از جانب ایران به هند بوده، بستری از مسیرهای ارتباطی دائمی را فراهم می‌کرد. در این مسیرها، برساخته‌های فرهنگی طرفین وارد فضای حیاتی طرف مقابل می‌شد. علاوه بر این‌ها، سرزمین هند نقش ویژه‌ای نیز برای تمدن ایران داشته که تاکنون چندان موردتوجه محققان نبوده است. هند به مثابه «دارالامان» فرهنگ و تمدن ایرانی، همیشه مأمّن و پناهگاه بسیار حیاتی برای گروه‌ها و اجتماعات ایرانی در شرایط بحرانی و هجوم‌ها و حمله‌ها و غارت‌ها و خشکسالی‌های بسیار وسیع بوده است. در طول تاریخ تمدن ایرانی، هرگاه جامعه ایرانی دچار یک گسست یا آشفتگی جدی می‌شد، مهاجرت به هند یک راه حل کلیدی برای نجات مردمان و میراث معنوی این سرزمین بوده است. مهاجرت‌های مغان و سپس گروه‌های زرتشتی و همچنین مهاجرت‌های گروه‌های مختلف اسلامی، اعم از صوفیان، فقها، سیاستمداران و گروه‌های فرهنگی و مذهبی مختلف به هندوستان، بیانگر نقش حیاتی هند برای تداوم میراث فرهنگی تمدنی ایران بوده است.

میراث فرهنگی ایرانی در هند، تا حد زیادی موردتوجه ایران‌شناسان و مورخان بوده است. این نوع مطالعات بیشتر بر وجوه خاص، از جمله ادبیات، تاریخ، فلسفه و عرفان متمرکز بوده‌اند. عمده مطالعات هندشناسی در ایران نیز ذیل حوزه‌های پژوهش فلسفی و تاریخی و ادبی بوده و متأسفانه مطالعات اجتماعی (علوم اجتماعی) در ایران تاکنون توجهی بایسته و شایسته به هند نداشته است. تفکر و تحقیق علوم اجتماعی ایران، به خصوص در چهار دهه اخیر، دچار نوعی جهت‌گیری جغرافیایی ایستا به سمت غرب شده که می‌توان از آن، به عنوان غربزدگی جغرافیایی تفکر علوم اجتماعی ایران یاد کرد. در نتیجه این عارضه تاریخی، فضای فکری ایران تا حد زیادی از همسایه‌های شرقی خودش غافل مانده است. به همین دلیل است که هند چندان موردتوجه جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان ایرانی قرار نگرفته و علوم اجتماعی ایران نتوانسته دیالوگی فکری و فرهنگی با مهم‌ترین همسایه و شریک فرهنگی‌اش داشته باشد. تفکر جامعه‌شناختی در ایران، همیشه چشم‌به‌راه سوغات فرنگ بوده و تفکر انسان‌شناختی نیز همچنان در زوایای جامعه سنتی ایران مانده است. این دو عرصه مطالعاتی در ایران، تاکنون نتوانسته‌اند مطالعه «دیگری نزدیک» یا به

تعبیری تناقض‌وار «دیگری خودی» (به این معنا که هرچند هندی‌ها یک سرزمین و فرهنگ بیگانه‌اند، اما در عمل آنچنان با فرهنگ و فکر ایرانی قرابت دارند که گویی یک آشنا و یک خودی هستند) را به عرصه‌ای برای اندیشه‌ورزی انتقادی و ایجاد فضایی برای نقد فرهنگی خویشتن در آینه دیگری تبدیل کنند. البته در طی تاریخ در کارهای کسانی مانند ابوریحان بیرونی و برخی نویسندگان متأخر مانند طالبوف و داریوش شایگان، هند سرزمینی برای اندیشه‌ورزی‌های انتقادی در باب خویشتن و جهان کنونی نیز بوده است. اما این نمونه‌ها، بیشتر استثنا بوده‌اند تا اینکه رویه‌ای جدی و فراگیر باشند.

در سنت علوم اجتماعی جهان و به خصوص مطالعات توسعه و انسان‌شناسی، فرهنگ هند جایگاه خاصی دارد. سنت مطالعات هند در تمام رشته‌های علوم اجتماعی، اعم از جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی و نیز در مطالعات ادیان و مطالعات توسعه سنتی فربه و گسترده است. نیازی به برشمردن گستره وسیع این مطالعات نیست. آنچه در اینجا مهم است، غفلت ایران امروز از مطالعه هند در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی است. مطالعات جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی تاریخی فرهنگ هند و به خصوص سهم و میراث ایرانیان در این تمدن بزرگ، نتایج بسیاری می‌تواند برای علوم اجتماعی ایران داشته باشد. این موضوع در زمینه مطالعات ایران باستان و همچنین مطالعات دوران اسلامی اهمیتی کلیدی دارد. به دلیل ضعف و قلت مطالعات انسان‌شناختی در ایران، این قبیل پژوهش‌ها به خصوص در عرصه دین اسلام و تشیع در هند، می‌تواند به فهم بسیاری از وجوه مبهم تاریخ فرهنگی ایران کمک کند.

در مطالعات شیعه‌شناسی در ایران هم هنوز نگاه‌ها در ورای ایران، به سرزمین عراق و اندکی نیز به لبنان (جبل عامل) معطوف است. متأسفانه کمتر به ارتباط تشیع ایرانی با سایر گروه‌های مسلمان و جریان‌های اسلامی توجه شده است و نوعی خاص‌گرایی منفک تاریخی در باب تشیع ایرانی در مطالعات ما ریشه دوانده است که گویی ما از اول متفاوت از عالم بوده‌ایم. مطالعات شیعه‌شناسی می‌تواند یافته‌های بسیار غنی‌ای از سرزمین هند و حتی سایر کشورهای همسایه داشته باشد. تشیع در هند، بیش از همه، متأثر از فضای تشیع ایرانی است. ایرانیان، اعم از صوفیان، درباریان، تجار و گروه‌های مهاجر شیعی و در رده‌های بعد، علما، عامل بسیار مهمی در شکل‌گیری تشیع هندی بوده‌اند. حکومت‌های شیعی در

جنوب و شمال هند، عموماً به دست ایرانیان مهاجر به هند تشکیل شده‌اند؛ با توجه به اینکه هند موزه‌ای زنده از تاریخ فرهنگ ایران زمین است و آثار بسیاری را می‌توان در گوشه و کنار سرزمین هند یافت که نشانه‌ای از دوره‌های تاریخی ایران داشته باشد، شناخت شیعه و اسلام در هند نه تنها شناخت دیگری، بلکه آینه‌ای برای شناخت خویشتن و میراث ایرانی در مهاجرت است.

نکته مهمی که مطالعات انسان‌شناختی تشیع در هند می‌تواند برای انسان‌شناسی و شیعه‌شناسی در ایران داشته باشد، سهم مشترک ایرانیان و هندی‌ها در این سنت شیعی هندی است. از سوی دیگر، مطالعات غربی‌ها در باب تشیع، هم در ایران و هم در هند، عموماً متأثر از فضای گفتمانی و سیاسی رابطه غرب با شرق اسلامی و به خصوص شیعی بوده که این مسئله بعد از حاکمیت حکومت شیعی علما در ایران پس‌انقلابی شدت بیشتری پیدا کرده است. در نتیجه انقلاب ایران، مطالعات شیعه‌شناسی یکی از اولویت‌های گفتمان‌های علمی غربی شده است. در این میان، مطالعه انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی شیعه در هند، توسط ایرانیان می‌تواند فارغ از این نوع از جهت‌گیری‌های گفتمانی و شرق‌شناسانه غربی‌ها باشد.

انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی ایران برای فراتر رفتن از محدودیت‌ها و تنگناهایی که به آن دچار شده‌اند، نیازمند گفت‌وگو و مبادله با سنت‌های غیر غربی هستند و این میان، نزدیک‌ترین و مهم‌ترین سنت به تفکر اجتماعی در ایران، سنت هندی و تفکر اجتماعی و فرهنگی برخاسته از مطالعات هند است. و کتاب حاضر گام کوچک و محدودی در این مسیر است.

این کتاب حاصل پژوهش‌های میدانی من در هند و به خصوص در شهر لاکنو در ایالت اتارپرادش هست که طی سال‌های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۰ انجام شده است. بخش‌هایی از آن را می‌توان مطالعات اسناد و منابع تاریخی دانست و بخش‌هایی هم مطالعات مردم‌نگارانه شیعیان هند است. البته بخشی از این نوشته‌ها فصولی از تز دکتری من در دانشگاه دهلی برای دکتری انسان‌شناسی فرهنگی بودند، اما بخش اعظم فصول این کتاب، به صورت مستقل و مجزا در همان سال‌ها نوشته شده‌اند. و اکنون پس از ده سال مورد بازبینی قرار گرفته و منتشر می‌شوند. هرچند پیشتر فصولی از این کتاب را در جاهای مختلف، از جمله دو

کتاب درباره هند (آیین‌ها و مناسک شیعیان هند و شکوفایی تمدن اسلامی در هند) منتشر کرده بودم، اما در مجموع می‌توان گفت این کتاب هویت مستقل خودش را دارد و بیش از همه با محوریت کارهای مردم‌نگارانه من در هند تألیف شده است. امیدوارم روزی بتوانم مجموعه یادداشت‌های میدانی خودم را در قالب سفرنامه در مناطق شهری و روستایی شیعه‌نشین هند منتشر کنم که در آن‌ها نیز داده‌های میدانی بسیاری از دیده‌ها و شنیده‌ها و چشیده‌ها و... از فرهنگ و زندگی شیعیان هند وجود دارد.

موضوع بخش‌های مختلف این کتاب، فرهنگ اسلامی با تأکید بر شیعیان در سرزمین هند است. بررسی محدود این فرهنگ به خوبی، بیانگر تعامل سنت‌های اسلامی ایران با سنت‌های مذهبی و فرهنگی هندی در شکل دادن به اسلام و به خصوص تشیع هندی است. هرچند نتایج این مطالعات، تجربه‌ای محدود و مختصر در سنت انسان‌شناسی ایران محسوب می‌شود، اما هنوز راهی دراز به تعامل تجارب انسان‌شناسی ایران با انسان‌شناسی هند باقی مانده است. این تعامل در توسعه و رشد سنت انسان‌شناسی ایرانی اهمیتی کلیدی دارد و شاید نشر نتایج تحقیقات انسان‌شناسان جوان ایرانی که در کشورهای مختلف مشغول انجام تحقیقات میدانی هستند، بتواند به این موضوع کمک کند. هرچند عموماً مطالعات انسان‌شناختی را در شکل‌های مردم‌نگارانه محدود تعریف کرده‌اند و این انتظار هست که کل یک کار انسان‌شناختی، به یک منطق مشخص و گروه اجتماعی معینی محدود باشد. اما در سنت انسان‌شناختی نیز امکان‌هایی برای کارهای کلان و تاریخی وجود دارد، به عنوان مثال کتاب اسلام مشاهده‌شده/ اسلام در عمل<sup>۱</sup> اثر کلیفورد گیرتز می‌تواند شاهد چنین رویکردی باشد که در آن اسلام در مراکش و اندونزی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. در کتاب حاضر نیز از یک سو تلاش کرده‌ام منطق فرهنگ اسلامی و تمدن اسلامی در هند را ذیل ایده اسلام هندی مورد بررسی قرار بدهم و خاص بودگی و تمایز آن با سیر حوزه‌های تمدنی در جهان اسلام را نشان بدهم و از سوی دیگر در مطالعه فرهنگ شیعی تلاش کرده‌ام با بررسی عمیق در میان شیعیان لاکنو، این فرهنگ شیعی هندی را به عنوان بخشی کلیدی از همان فرهنگ اسلام هندی مورد واکاوی و تحلیل قرار دهم. مبنای این مطالعات بیش از هرچیز مبتنی بر تجربه‌های میدانی من از مناطق مختلف اسلامی / شیعی هند بود. کارهای

۱. *Observed Islam.*

مردم‌نگارانه میدانی من، به تدریج با مطالعات اسنادی و تاریخی توسعه یافت و ایده‌های حاصل از تجارب میدانی به ایده‌هایی برای تحلیل کلیت تمدنی مسلمانان هند بدل شد. به همین دلیل این کتاب در نهایت مبتنی بر رویکرد مردم‌نگارانه است و از زیستن در میان مسلمانان شروع شده و در دل تاریخ و از خلال اسناد تاریخی و کتابهای تاریخی، بسط یافته است. قطعاً این دامنه وسیع، منجر به خطاهایی در داده‌ها و تحلیل‌ها شده است که بر عهده من و کاستی‌های دانشی من درباره موضوع خواهد بود و امیدوارم با تذکر خوانندگان محترم این کتاب بتوان آن‌ها را برای چاپ‌های بعدی رفع کرد.

### ب. در اهمیت شناخت تشیع مردمی / دین زیسته

علاقه انسان‌شناسی به مطالعه دین، به قرن نوزدهم میلادی و تأسیس این رشته برمی‌گردد. در مراحل آغازین شکل‌گیری این علم، مطالعه مناسک و آیین‌های مذهبی، یک امر فرعی و حاشیه‌ای در انسان‌شناسی دین محسوب می‌شد. با وجود علایق اولیه به ادیان بومی و محلی، از نیمه‌های دوم قرن بیستم، تمرکز مطالعات مردم‌نگارانه به اشکال محلی از ادیان بزرگ جهانی از جمله اسلام و بودیسم و هندویسم و مسیحیت و... معطوف شد. این نوع مطالعات منجر به بازاندیشی در نظریات و تعاریف انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی دین شد. به تدریج رویکردهای تکامل‌گرایانه جایش را به رویکردهای تفهیمی و تفسیری داد و درک همدلانه از سنت‌های دینی به رویکرد غالب در مطالعات انسان‌شناسی دین بدل شد. در این زمینه یکی از معروف‌ترین و فراگیرترین تعاریف دین، متعلق به کلیفورد گیرتز است که دین را به مثابه نظامی از نمادها می‌بیند.<sup>۱</sup> نمادها، عرصه تلفیق و سنتز خلیقات یک جامعه و جهان بینی آن هستند. در نگاه گیرتز، آیین‌های مذهبی نقشی کلیدی در ساختن حس واقع‌بودگی برای جهان بینی ایفا می‌کنند. هرچند در مطالعات اولیه انسان‌شناختی، مناسک و آیین‌ها عمدتاً به کارکردهایشان و وابسته بودن به سایر شاخصه‌های فرهنگی و اجتماعی تقلیل می‌یافتند، اما امروزه مفهوم آیین و مناسک توجه محققان را به خودش به عنوان موضوع تحلیل سیستماتیک تاریخی و مطالعات تطبیقی فرهنگی جلب کرده است. با توجه به این تحولات و تغییرات در مطالعات انسان‌شناختی آیین و مناسک در گفتمان‌های علم انسان‌شناسی است که کلود لوی استروس